رئیس‌جمهور در گفت‌وگوی صریح و تفصیلی با مردم:

از آنچه به نام تفاهم‌نامه نوشته‌ایم، با قدرت دفاع می‌کنیم

رئیس جمهور در دومین و سومین بخش گفتگوی صریح خود با مردم به تشریح مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی دولت، سیاست خارجی،مذاکرات و امضای تفاهم نامه،جنگ تحمیلی آمریکا و رژیم صهیونیستی و هماهنگی دولت با نیروهای مسلح،پرداخت.

دکتر پزشکیان در بخش دوم گفتگوی خود،اصلاح نظام یارانه‌ها، توسعه انرژی‌های پاک و اصلاح ساختار مدیریت را سه محور اصلی تحول اقتصادی کشور برشمرد و با تأکید بر اینکه «مسیر اصلاحات آغاز شده و متوقف نخواهد شد»، از تداوم برنامه‌های دولت برای رفع ناترازی‌ها، مقابله با رانت و افزایش بهره‌وری خبر داد.

دومین بخش گفت‌وگوی تلویزیونی رئیس‌جمهور با مردم، بر تشریح نقشه راه دولت برای اصلاحات ساختاری در اقتصاد متمرکز بود؛ اصلاحاتی که از حوزه انرژی و نظام بانکی تا سیاست‌های یارانه‌ای، خصوصی‌سازی، مدیریت بنگاه‌های دولتی و توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل را در بر می‌گیرد.

رئیس‌جمهور در این بخش با اشاره به شرایط دشوار ناشی از تحریم، جنگ و محدودیت‌های اقتصادی، تأکید کرد که دولت اصلاحات را ضرورتی اجتناب‌ناپذیر برای آینده کشور می‌داند.

دکتر پزشکیان همچنین با تشریح اقدامات دولت در توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر، اصلاح نظام پرداخت یارانه‌ها، حذف زمینه‌های رانت و فساد، ادامه اصلاح نظام بانکی و واگذاری واقعی بنگاه‌های اقتصادی، بر نقش همراهی مردم و هماهنگی میان قوا در پیشبرد این برنامه‌ها تأکید کرد و گفت که هدف نهایی دولت، برقراری عدالت، افزایش کارآمدی و عبور پایدار از ناترازی‌های اقتصادی و انرژی است.

***به موضوع ناترازی اشاره کردید. زمانی که دولت را تحویل گرفتید، کشور با چه وضعیتی مواجه بود؟ به تعبیری، نابسامانی‌ها و ناترازی‌های گسترده‌ای در حوزه برق و سوخت وجود داشت که به تولید کشور آسیب می‌زد؛ صنایع در تابستان با قطعی برق و در زمستان با قطعی گاز روبه‌رو بودند. لطفاً توضیح دهید دولت را با چه شرایطی تحویل گرفتید و برای ادامه مسیر کشور چه راهکاری در نظر دارید؟**

–دولت را در شرایطی تحویل گرفتیم که توضیح آن مفصل است، اما برآیند وضعیت این بود که در زمستان باید با قطعی برق، آب و گاز مواجه می‌شدیم. مجموع ذخایر انرژی ما یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون لیتر بود و می‌گفتند این ذخایر تا آبان بیشتر دوام نمی‌آورد. پس از آن، دیگر سوختی نداشتیم که نیروگاه‌هایمان را با آن بچرخانیم. کمبود گاز هم داشتیم و بحث این بود که در زمستان، هم برق نخواهیم داشت و هم گرمایش با مشکل مواجه خواهد شد؛ اما با همکاری، همراهی و مدیریت، این اتفاق نیفتاد.

باز هم وقتی از وفاق صحبت می‌کنم، منظورم همین مردم هستند. این مردم بودند که در مصرف برق و گازشان بسیار به ما کمک کردند. ما نیز تلاش کردیم نیروگاه‌هایمان را تقویت کنیم. همین پنل‌های خورشیدی که راه‌اندازی شده‌اند، اکنون نزدیک به هفت هزار مگاوات وارد مدار کرده‌اند. هفت هزار مگاوات، یعنی حدود هفت میلیارد دلار؛ پولی که ما نداریم، اما این ظرفیت وارد مدار شده و درحال توسعه است.

این اقدام، از یک طرف مشکل انرژی ما را حل می‌کند و هر روز نیز درحال گسترش است. با وجود جنگ، درگیری و محاصره‌ای که وجود دارد، قرار بود ۳۰ هزار مگاوات پنل خورشیدی احداث کنیم، اما با مشکلاتی که داشتیم نتوانستیم به هدفی که می‌خواستیم برسیم. البته در قانون برنامه، در مجموع ۱۲ هزار مگاوات برای پنج سال پیش‌بینی شده است؛ اما ما اصلاً به‌دنبال این نیستیم که فقط به همان میزان تعیین‌شده در قانون برسیم. به‌دنبال آن هستیم که تا جایی که ظرفیت و توان داریم، مشکل انرژی خود را از طریق انرژی پاک حل کنیم؛ زیرا اکنون سوختی را که در حقیقت ارزان در اختیار داریم، هدر می‌دهیم، هوا را آلوده می‌کنیم و در نهایت با کمبود نیز مواجه می‌شویم.

امسال، با وجود اینکه نیروگاه‌های ما را زدند و روزانه نزدیک به ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز ما را زدند، شما قطعی برق بسیار کمی دیدید. امیدوارم از این پس دیگر اصلاً قطعی برق نداشته باشیم. در این گرما، در برخی نقاط قطعی‌هایی وجود داشت؛ اما برنامه‌ریزی کرده‌ایم که به‌هیچ‌وجه برق صنایع و کارگاه‌ها را قطع نکنیم و درحال تلاش هستیم این کار را انجام دهیم.

همه این اقدامات با همراهی، همدلی و جهت‌گیری‌هایی که داشتیم و با مساعدت و همکاری مردم انجام شد و توانستیم مشکل را مدیریت کنیم. برای زمستان نیز، با وجود کمبود روزانه ۲۳۰ میلیون مترمکعب گاز، درحال طراحی و برنامه‌ریزی هستیم تا به امید خدا مردم در زمستان با مشکل مواجه نشوند.

این کار را به حول و قوه الهی، با کمک مردم، همدلی و همراهی میان قوا و آگاهی‌بخشی لازم به مردم انجام خواهیم داد تا آنان نیز با ما همراه شوند.

***یکی دیگر از ابعاد این ناترازی‌ها، حوزه اقتصاد است که آثار آن مستقیماً در معیشت و سفره مردم دیده می‌شود. پیش از این، با مشکلات ناشی از تحریم‌ها مواجه بودیم و اکنون محاصره دریایی نیز به آن اضافه شده و ناترازی‌های اقتصادی را تشدید کرده است. دولت از نظر اقتصادی چه شرایطی را از دولت‌های پیشین به ارث برد و زمانی که شما مسئولیت را تحویل گرفتید، وضعیت اقتصاد کشور چگونه بود؟**

–ببینید، روند کاملاً مشخص است. آن‌ها انتظار داشتند کشور، به‌دلیل همین فشارهایی که وارد کرده‌اند، سقوط کند. این روند طی سال‌ها اتفاق افتاده و چندان هم به این دولت یا آن دولت مربوط نبوده است. آن‌ها همواره این فشارها را وارد کرده‌اند و اقتصاد ما را روزبه‌روز در محاق قرار داده‌اند و با مشکل مواجه کرده‌اند. اکنون در دولت ما، این فشارها به حداکثر رسیده است و خودشان هم در تحلیل‌هایشان تعجب می‌کنند که چرا ما سقوط نکرده‌ایم.

ما با همراهی کارشناسان، دانشگاهیان، مدیران و فعالان اقتصادی درحال پیگیری مسائل هستیم. جلسات متعددی با استادان اقتصاد، جامعه‌شناسی و ارتباطات دانشگاه‌ها برگزار کرده‌ایم و دانشگاه‌ها وارد میدان شده‌اند. با صنعتگران، اتاق صنعت، اتاق بازرگانی و اصناف نیز جلسات مختلفی داشته‌ایم. خود من بارها جلسه گذاشته‌ام و وزیر محترم نیز چندین بار جلسه برگزار کرده است. با کمک آن‌ها تلاش می‌کنیم موانع را از سر راهشان برداریم و آن‌ها نیز به کمک ما آمده‌اند تا بتوانیم مشکلات را حل کنیم.

من نمی‌گویم که توانسته‌ایم همه مشکلات را حل کنیم. تحریم یک واقعیت است. وقتی نتوانیم نفت خود را بفروشیم، یعنی ارز کمتری خواهیم داشت؛ نه اینکه اصلاً ارز نداشته باشیم، اما کمتر خواهیم داشت. وقتی ارز کمتری داشته باشیم، طبیعتاً با مشکلاتی روبه‌رو می‌شویم. باید راهی پیدا کنیم که تا جایی که از دستمان برمی‌آید، این مشکلات را کمتر و کمتر کنیم.

این اتفاق خواهد افتاد، اما تحقق سریع آن دشوار است. وقتی این مسیر را بسته‌اند، طبیعتاً ما نیز درحال طراحی راه‌های مختلف با همسایگانمان هستیم. تجارت خود را با آن‌ها گسترش می‌دهیم و دادوستدمان را بیشتر می‌کنیم. چون امکان جابه‌جایی پول را نداریم، طبیعتاً بخشی از مبادلات به‌صورت تهاتری انجام می‌شود.

ارتباط ما با همسایگان بسیار بهتر از گذشته است و کشورهای همسایه همکاری بسیار خوبی با ما دارند. یکی از برنامه‌هایی که در جریان این جنگ، اغتشاشات و تنش‌ها طراحی کرده بودند، ایجاد ناآرامی از شمال‌غرب و جنوب‌شرق بود. می‌گفتند از آن‌سوی مرزها افرادی وارد می‌شوند و در این مناطق اغتشاش ایجاد می‌کنند؛ اما خود کشورهای منطقه اجازه ندادند کسی به‌راحتی از آن‌طرف وارد شود و اغتشاش ایجاد کند.

این موضوع بسیار مهمی است؛ یعنی همسایگان ما اجازه ندادند عده‌ای وارد کشور شوند و باعث اغتشاش شوند. نه‌تنها اجازه چنین کاری را ندادند، بلکه به ما کمک هم کردند. گفتن این مطالب ساده است، اما رسیدن به این وفاق و همدلی میان همسایگان و در داخل کشور، به‌گونه‌ای که همه طرح‌ها و نقشه‌هایی را که آن‌ها کشیده بودند با مشکل مواجه کند، کار ساده‌ای نبوده است.

این وضعیت به برکت همراهی، همدلی و پشتیبانی رهبر معظم انقلاب شهیدمان شکل گرفت که در آن مقطع با قدرت از دولت و سیاست‌ها حمایت می‌کردند. هرجا گرفتار می‌شدیم و مشکلی پیدا می‌کردیم، خدمت ایشان می‌رسیدیم و ایشان با تمام توان پشتیبانی می‌کردند. اگر توانسته‌ایم تا امروز باقی بمانیم، نتیجه همان سیاست‌ها، جهت‌گیری‌ها، همراهی‌ها و رهنمودهای مقام معظم رهبری شهیدمان بوده است.امروز نیز رهبر عزیزمان، با توصیه‌هایی که درباره وحدت و انسجام دارند، کمک می‌کنند تا بتوانیم مشکلات را حل کنیم.

***یکی از اقدامات شما اصلاح نظام بانکی بود که در شروع کار بانکی آینده را که دولت‌های قبلی جرأت نداشتند در موردش اقدام کنند دولت شما با قدرت این کار را انجام داد آیا به دلیل شراطی که الان کشور با آن روبروست این اصلاحات متوقف می‌شود یا ادامه پیدا می‌کند؟**

–یکی از راه‌های کنترل تورم، اصلاح همین نظام بانکی است. اکنون نیز وزارت اقتصاد برنامه دارد ناترازی‌هایی را که در بانک‌ها وجود دارد، مدیریت کند. همچنین جلوی روندی را می‌گیرد که در آن، بانک‌ها گاهی منابع مالی را صرف خریدها و فعالیت‌های غیرتولیدی می‌کنند. این مسیر ادامه خواهد داشت و برای آن برنامه‌ریزی شده است؛ البته کار ساده‌ای هم نیست.

آن زمانی که نماینده و نایب‌رئیس مجلس بودم، یک صندوق در مشهد دچار مشکل شده بود. هر روز در خیابان‌ها تظاهرات می‌شد، چون نمی‌توانستند پول مردم را پرداخت کنند. نه جمعیت آن‌قدر زیاد بود و نه حجم پول به این اندازه؛ اما در سراسر کشور هر روز اعتراضاتی شکل می‌گرفت. آن زمان، به روشی توانستیم آن مشکل را حل کنیم.

بانک آینده که شاید ۱۰ برابر آن، یا حتی بیشتر، حجم و گستردگی داشت، بسته شد؛ بدون اینکه اعتراضی شکل بگیرد یا نگرانی خاصی در جامعه ایجاد شود. این موضوع نیز با تدبیر و مدیریتی انجام شد که شکل گرفت و البته با هماهنگی قوه قضاییه و مجلس محترم پیش رفت. برادرمان آقای دکتر قالیباف و برادرمان آقای اژه‌ای نیز در این مسیر همراهی کردند و مجموع این هماهنگی‌ها باعث شد بدون تنش از این مرحله عبور کنیم.

***یکی دیگر از اقداماتی که دولت شما انجام داد، اصلاح سیاست ارز ترجیحی بود؛ اقدامی که بحث‌های زیادی درباره آن شکل گرفت. آیا دولت از ابتدا برای اجرای این سیاست برنامه داشت یا شرایط و اجبارهای اقتصادی باعث شد به‌ناچار آن را اجرا کنید؟**

–ما نمی‌دانستیم قرار است جنگ شود. آنچه به آن معتقدیم عدالت است. در کشور، وقتی مثلاً یارانه می‌دهیم، معمولاً دهک‌های بالا بیشتر از دهک‌های پایین از آن مصرف می‌کنند؛ یارانه برق، گاز، آب، انرژی و هر چیز دیگری که بخواهید. درباره یارانه‌ای که برای کالاهای اساسی می‌دادیم نیز همین سؤال مطرح بود که چه کسانی بیشتر از آن استفاده می‌کردند؛ درحالی که باید این یارانه را به کسانی بدهیم که نیازمندترند و بیشتر به آن احتیاج دارند.

قدم اولی که برداشتیم این بود که پولی را که در ابتدای زنجیره کالاهای اساسی پرداخت می‌کردیم، به مصرف‌کننده نهایی بدهیم؛ زیرا در این رفت‌وآمدهای اداری و فرایندهای خرید، وقتی می‌خواستند کالایی بخرند، قیمت را بالاتر اعلام می‌کردند تا دلار بیشتری بگیرند و وقتی می‌خواستند کالا را به خارج صادر کنند، قیمت را پایین‌تر اعلام می‌کردند تا ارز آن را بازنگردانند. بعد هم وقتی کالا وارد بازار می‌شد، همان‌طور که همه می‌دانید، فسادهای مختلفی شکل می‌گرفت؛ کالا را پنهان می‌کردند، در جای دیگری مصرف می‌کردند یا دوباره صادر می‌کردند. چیزی را که مثلاً با قیمت ۲۸ دلار خریده بودند، در بازار با قیمت ۱۰۰ دلار می‌فروختند و از این قبیل اتفاقات رخ می‌داد.

اما وقتی این ارز را به مصرف‌کننده نهایی دادیم، دیگر در آن مسیر امکان شکل‌گیری تخلف وجود ندارد. هرکس کالا را وارد کند، آن را به بازار می‌آورد و می‌فروشد. ما مابه‌التفاوت ارز را در قالب کالابرگ قرار دادیم. البته اکنون باید مبلغ کالابرگ را افزایش دهیم، چون قیمت‌ها گران‌تر شده است. اصولاً باید بتوانیم میزان کالابرگ را بالا ببریم تا مردم راحت باشند. درحال تلاش هستیم، اما به‌دلیل کمبود ارز و مشکلاتی که داریم، تا حدی با مشکل مواجهیم. با این حال، به امید خدا این مسئله را نیز حل خواهیم کرد.

البته باید کاری کنیم کسانی که به کمک دولت نیاز ندارند و حتی می‌توانند خودشان کمک کنند، سهم کمتری دریافت کنند و آن مقدار به دهک‌های پایین‌تر اضافه شود. اگر بتوانیم از آن‌ها کم کنیم و به این گروه‌ها بیافزاییم، عدالت بیشتری برقرار خواهد شد.

در دنیا و حتی در مباحث علمی نیز دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد. مثلاً در بیمه از همه دو هزار تومان دریافت کنیم. درمان منی که پولدارم و یک میلیون تومان درآمد دارم، با فردی که پول ندارد و ۱۰ هزار تومان درآمد دارد، یکسان در نظر گرفته شود؛ یعنی من یک‌میلیونی یا ۱۰ میلیونی، دو هزار تومان بدهم و کسی که ۱۰ هزار تومان درآمد دارد نیز دو هزار تومان پرداخت کند. این در حقیقت ضدعدالت است.

حتی بدتر از آن، این است که نه‌تنها عادلانه نیست، بلکه فشار بیشتری نیز به فرد کم‌درآمد وارد می‌کند. مثلاً دو هزار تومان یا ۲۰ هزار تومان برای کسی که یک میلیون یا ۱۰ میلیون تومان درآمد دارد، عدد مهمی نیست؛ اما برای فردی با درآمد پایین، همان ۲۰ هزار تومان رقم قابل‌توجهی است. به همین دلیل گفتند پرداخت‌ها باید متناسب شود؛ یعنی از همه، درصدی از حقوقشان دریافت کنیم.

زمانی که وزیر بودیم، قانون را اصلاح کردیم و گفتیم حق بیمه باید متناسب با حقوق افراد دریافت شود. شکل عادلانه‌تر آن این است که نظام را «پروگرسیو» کنند؛ یعنی هرکس درآمد بیشتری دارد، بیشتر بپردازد و هرکس درآمد کمتری دارد، کمتر پرداخت کند. این شیوه به عدالت نزدیک‌تر است. در دنیا نیز همین کار را انجام می‌دهند؛ در آمریکا، انگلستان و آلمان، یعنی کشورهایی که مملکت را با چنین روندی اداره می‌کنند، به همین شکل عمل می‌شود.

ما اکنون فعلاً به‌صورت متناسب، از پولدار و کم‌درآمد درصدی دادیم؛ اما عدالت این است که از کسی که توان مالی بیشتری دارد، مقداری بیشتر بگیریم و به کسی که توان مالی کمتری دارد، پرداخت کنیم. تلاش خواهیم کرد این اتفاق رخ دهد و درباره کالابرگ نیز کاری خواهیم کرد که دست‌کم

اجازه ندهیم در معیشت مردم مشکلی به وجود بیاید. اکنون در این زمینه مشکل داریم و در دولت نیز درباره آن بحث می‌کنیم، اما حتماً این کار را انجام خواهیم داد، ان‌شاءالله.

***آقای دکتر، همان‌طور که اشاره کردید، یارانه را از ابتدای زنجیره به مصرف‌کننده نهایی منتقل کردید. براساس آمارها، پس از این اقدام تقاضا در بازار افزایش یافت و برای تأمین بخشی از نیاز مصرف‌کنندگان نیز مشکلاتی به وجود آمد. این اقدام از نظر عدالت درست بود، اما آیا برای کنترل اختلال‌های ایجادشده در بازار برنامه‌ای دارید؟**

–اطلاعات من برعکس چیزی است که شما می‌گویید؛ تقاضا کاهش پیدا کرده است. درست است که قدرت مصرف مردم در دهک‌های یک، دو، سه، چهار و پنج افزایش یافته، اما بسیاری از کالاهایی که وارد می‌کردیم، از کشور خارج می‌شد و بعضی از آن‌ها نیز اصلاً وارد نمی‌شد. بسیاری از همسایگان از مناطق مرزی وارد ایران می‌شدند، کالا می‌خریدند و با خود می‌بردند. با یک دلار می‌شد در ایران مقدار زیادی کالای اساسی خرید و خارج کرد. در نتیجه، جلوی همه این موارد گرفته شد و اکنون نیز درحال کنترل آن هستیم.

درحال استخراج داده‌های مصرف نان هستیم که همچنان یارانه دریافت می‌کند. آمارها نشان داده است که مثلاً یک خانواده در یک ماه ۱۸ تن نان مصرف کرده یا خانواده‌ای دیگر هشت تن یا شش تن نان گرفته است. چنین چیزی اصلاً امکان‌پذیر نیست؛ بنابراین این نان به شکل دیگری مصرف می‌شود. اکنون درحال مدیریت این مسئله هستیم تا جلوی روندی را بگیریم که زمینه فساد، رانت، رشوه و قاچاق را فراهم می‌کند.

هرچقدر هم ناظر بگذارید تا جلوی این اتفاقات را بگیرد، نتیجه‌ای نخواهد داشت. ۴۸ سال است که ناظر گذاشته‌ایم؛ چرا نتوانسته‌ایم مشکل را حل کنیم؟ تا زمانی که زمینه فساد وجود دارد، نمی‌توان جلوی فساد را گرفت. وقتی این زمینه‌ها از بین برود، دیگر به‌راحتی فسادی شکل نمی‌گیرد.

وقتی دلار را آزاد کردیم، هرکسی که دلار دولتی می‌گرفت، از یک رانت و امتیاز برخوردار می‌شد. در نتیجه، بر سر اینکه چه کسی این ارز را بگیرد، با یکدیگر دعوا می‌کردند. برای گرفتن یک امضاء رشوه می‌دادند تا آن امتیاز را به دست آورند. ما همه این سازوکارها را به هم زدیم. اکنون دیگر به آن امضاها نیازی نیست؛ فرد می‌تواند به‌راحتی کالا را وارد و در بازار عرضه کند. در نتیجه، هم زمینه فساد اداری در فرآیند امضاها از بین رفته، هم مشکلات گمرکی کاهش یافته و هم بخشی از مسائل بازار خودبه‌خود اصلاح شده است؛ البته این روند هنوز با وجود تحریم‌ها کامل نشده است. وقتی زمینه فساد را از بین بردی دیگر فسادی نمی‌تواند وجود داشته باشد.

در موضوع گردشگری نیز زمانی دو هزار دلار ارز پرداخت می‌شد. افراد می‌رفتند، می‌گشتند و بازمی‌گشتند و سفر برایشان تقریباً رایگان تمام می‌شد؛ چون دلار ما را می‌گرفتند. برای چه باید چنین کاری انجام می‌دادیم؟ در نتیجه، کسانی که داراتر بودند و بیشتر از مقررات و قوانین ما اطلاع داشتند، از این مقررات بهره بیشتری می‌بردند. البته تقصیر آن‌ها هم نبود؛ تقصیر مقرراتی بود که ما وضع کرده بودیم.

اگر من می‌توانستم امتیازی بگیرم و ارزی دریافت کنم که قیمتش با بازار متفاوت بود، خودبه‌خود چندین میلیارد تومان نصیبم می‌شد. باید این زمینه‌ها را از بین می‌بردیم و این اتفاق در این قسمت رخ داده است. در قسمت‌های دیگر نیز، با وجود همه این مسائل، درحال پیش رفتن هستیم.

خدا کمک کرد، واقعیت این است که اگر این اقدام انجام نمی‌شد و جنگ آغاز می‌شد، قحطی در بازار قطعی بود؛ چون دیگر ارز ۲۸ تومانی نداشتیم که پرداخت کنیم و با ارز آزاد هم کسی کالا وارد نمی‌کرد تا در بازار بفروشد. اکنون همه کالاهایی که مردم می‌خواهند در بازار وجود دارد، اما گران شده است. باید این گرانی را از طریق کالابرگ جبران کنیم و ان‌شاءالله باز هم آن را جبران خواهیم کرد؛ زیرا زمینه این فسادها را از بین برده‌ایم.

***یکی از نقدهای مطرح‌شده این بود که با توجه به شرایط اجتماعی، زمان مناسبی برای اجرای این سیاست انتخاب نشده است. آیا این نقد را می‌پذیرید؟ آیا بهتر نبود این اقدام در زمان مناسب‌تری انجام شود؟**

– ۴۷ سال است که می‌خواهیم درست عمل کنیم، اما هر بار می‌گویند اکنون وقتش نیست. هر زمان می‌خواهیم کاری انجام دهیم، می‌گویند فعلاً دست نگه دارید و هر بار هم بهانه‌ای مطرح می‌شود. نتیجه این شده است که روزبه‌روز بیشتر در باتلاق فرو می‌رویم.

ما مجبوریم اصلاحات را انجام دهیم. اگر در حوزه آب، برق، گاز، بنزین و گازوئیل درست عمل نکنیم، مشکلات بیشتر می‌شود. هر بار که می‌خواهیم به این مسائل ورود کنیم، می‌گویند الان دست نزنید، چون اگر دست بزنید صدا بلند می‌شود. خب چه زمانی باید دست بزنیم؟ زمانی که خودمان غرق شدیم، کشور نابود شد و همه ضرر کردند؟

ما از مردم می‌خواهیم به ما کمک کنند. هدف ما اجرای عدالت است و تمام تلاشمان این است که اگر قرار است از بیت‌المال پولی پرداخت شود، این پرداخت براساس عدالت و به همه انجام شود.

***آقای دکتر، در همین حوزه اصلاحات، یکی از وعده‌های شما به موضوع خودروسازی و واردات خودرو مربوط می‌شد؛ حوزه‌ای که تأثیر مستقیمی بر بازار و زندگی مردم دارد. برنامه دولت شما برای خصوصی‌سازی صنعت خودرو چیست؟**

– ببینید، این موضوع هم درحال اجراست. ما ایران‌خودرو را واگذار کردیم و به‌دنبال آن، وزیر اقتصاد ما را استیضاح کردند؛ با این استدلال که مثلاً نباید این کار انجام می‌شد. منظورم از مقاومت‌ها همین است؛ هر کاری که می‌خواهید انجام دهید، در برابر آن مقاومتی وجود دارد.

واگذاری سایپا و بخش‌ها و شرکت‌های مختلف دیگر نیز اکنون در برنامه است تا بتوانیم تا جایی که ممکن است آن‌ها را واگذار کنیم. البته واگذاری به معنای خصولتی‌کردن نیست؛ منظور، واگذاری واقعی به بخش خصوصی است تا بتواند دخل‌وخرج خود را تأمین کند. بسیاری از واگذاری‌هایی که تاکنون انجام شده، به حیاط‌خلوت عده‌ای تبدیل شده است.

طبیعتاً اجرای چنین کاری هم به خریداران واقعی نیاز دارد و هم به بازار آزادی که اکنون به شکلی که باید، در کشور ما وجود ندارد. بعضی از مجموعه‌ها را واگذار کردیم، اما به‌دلیل همین فشارها دوباره آن‌ها را بازگرداندند؛ درحالی که نباید بازگردانده می‌شدند. همان بخش‌هایی هم که بازگردانده شدند، اکنون کارآمد عمل نمی‌کنند. این مشکلی است که در نظام تصمیم‌گیری کشور وجود دارد و در برابر هر تصمیمی که در جهت آزادسازی گرفته می‌شود، مقاومت‌هایی شکل می‌گیرد.

از قبَل هر کدام کارهایی که می‌کنیم یک عده منفعت می‌برند و پول نصیبشان می‌شود. طبیعی است که برخورد با این افراد صدا ایجاد می‌کند. هیچ‌وقت هم نمی‌آیند بگویند شما جلوی کسی را گرفته‌اید که درحال سوءاستفاده بوده است؛ می‌گویند فلانی را که مثلاً حزب‌اللهی بود کنار گذاشتید، فلانی را که متعلق به فلان جناح بود آوردید یا فلانی را که رانت‌خوار بود، به کار گرفتید. یعنی به شکلی با شما صحبت می‌کنند که نگذارند کاری را که باید انجام دهید، انجام دهید. اصل ماجرا این است که آن کار انجام نشود؛ بقیه این حرف‌ها حاشیه است.

راه درست این است که کارخانه‌ها و شرکت‌های ما واقعاً توسط بخش خصوصی مدیریت شوند. ما به مدیر پول می‌دهیم تا برایمان ضرر ایجاد کند و در عین حال فوق‌العاده مدیریت هم می‌گیرد. کدام عقل چنین کاری را می‌پذیرد؟ اما ما این کار را انجام می‌دهیم و هر وقت می‌خواهیم به آن دست بزنیم، ناگهان از چندین‌جا صدا بلند می‌شود که شما مثلاً به شکلی عمل کرده‌اید.

البته درحال تلاش هستیم و امیدواریم با هماهنگی‌ای که میان قوا وجود دارد، این مسئله را نیز حل کنیم؛ چون یکی از مسائل اساسی کشور همین است. چرا باید ضرر بدهیم؟ سازمان تأمین اجتماعی این همه کارخانه و شرکت دارد، اما اکنون قادر نیست هزینه درمان بیمار را پرداخت کند. مگر می‌شود کسی این همه سرمایه و کارخانه داشته باشد و در نهایت فقط سربه‌سر کار کند؟

اکنون یک کارخانه می‌تواند به اندازه بودجه یک کشور درآمد داشته باشد. در سفری که به یکی از کشورها داشتیم، فقط یک کارخانه داروسازی آن‌ها سالانه ۵۰ یا ۶۰ میلیارد دلار درآمد داشت؛ یعنی بیش از درآمد نفتی ما. آن‌وقت ما کارخانه‌ها و شرکت‌های مختلف داریم، اما قادر نیستیم حقوق عده‌ای را درست و به‌موقع پرداخت کنیم.

مشکل، مدیریت ماست. حل این مشکل نیز به همان مفهوم تقوا بازمی‌گردد؛ یعنی باید افراد توانمندتر، داناتر و کارآمدتر را به کار گرفت، نه افراد سیاسی‌تر یا ظاهرا حزب‌اللهی‌تر را. قبلا می‌گفتند تعهد مهم‌تر است یا تخصص و پاسخ می‌دادند تعهد؛ اما کدام تعهد؟ تعهد واقعی این است که اگر کسی تخصص ندارد، زیر بار آن مسئولیت نرود و بی‌دلیل نگوید من متعهدم، سپس کاری را که بلد نیست بپذیرد.

اکنون ظاهری از تعهد به خود می‌گیریم، اما کاری را که بلد نیستیم بر عهده می‌گیریم، ضرر می‌دهیم و صدایی هم از کسی درنمی‌آید. تغییر این وضعیت کار ساده‌ای نیست؛ همان‌طور که تغییر همین اقداماتی که تاکنون انجام داده‌ایم نیز ساده نبوده است. با این حال، تصور من این است که با وحدت، انسجام و همدلی، ان‌شاءالله بتوانیم این روند را ادامه دهیم.

البته این کارها بسیار دشوار است. تغییر همیشه سخت است؛ آن هم در شرایطی که با تحریم، محاصره و جنگ مواجهیم و در کنار آن، صداهایی نیز به تفرقه، تشنج و اختلاف دامن می‌زنند. مدیریت این وضعیت با کمک خداست و گر نه به این سادگی نیست.

***یکی از موضوعات اساسی که همواره بر آن تأکید داشته‌اید و حتی درباره آن جمله‌ای تاریخی بیان کردید، تکمیل کریدورهاست؛ اینکه «کریدورها از نان شب هم واجب‌ترند». یکی از مزیت‌های اصلی ایران نیز قرار گرفتن در موقعیت جغرافیایی مناسبی است که مسیرها و کریدورهای مختلف را به یکدیگر متصل می‌کند. نخست اینکه چرا تکمیل این کریدورها برای شما تا این اندازه اهمیت دارد؟**

–ببینید، من پزشکم. تمام ساختار بدن انسان زمانی درد نمی‌کشد و درست عمل می‌کند که شریان‌ها به آن خون برسانند. کریدورها نیز شریان‌های جامعه هستند. اگر راه خون‌رسانی به جامعه، تدارکات و بخش‌های مختلف برقرار باشد، جامعه درد پیدا نمی‌کند، بازار با مشکل مواجه نمی‌شود و امنیت نیز مسئله‌دار نخواهد شد. در نتیجه، باید شریان‌هایمان را برقرار کنیم. هرچقدر این شریان‌ها آسان‌تر، سهل‌تر و توانمندتر باشند، بهتر است.

اگر بتوانیم قطار و راه‌های ریلی خود را تقویت کنیم، بسیار بهتر از آن است که فقط اتوبان بسازیم؛ چون در اتوبان باید هزاران تریلی عبور کنند، درحالی که یک قطار می‌تواند همان بار را جابه‌جا کند. در این صورت، هم سوخت کمتری مصرف می‌کنیم، هم جاده‌ها کمتر تخریب می‌شوند و هم می‌توانیم کالاها را با توان بیشتری جابه‌جا کنیم.

اکنون درحال انجام این کار هستیم و با وجود همه مشکلات، کسری‌ها و نارسایی‌هایی که داریم، راه‌آهن چابهار به زاهدان را باید حتماً در هفته دولت افتتاح کنیم. این مسیر به پایان رسیده و فقط مقداری از کارهای مربوط به ریل‌هایی که باید نصب می‌شد، باقی مانده است. چون فولاد ما را زدند، کار با مقداری تأخیر مواجه شد. ان‌شاءالله این مسیر بیش از ۶۰۰ کیلومتری به پایان رسیده است و شریان اصلی ما محسوب می‌شود. از آنجا نیز درحال اتصال مسیر به سرخس هستیم.

زمین‌های مسیر راه‌آهن رشت ـ آستارا را نیز تملک کرده‌ایم و این کار تمام شده است. زمانی که ما دولت را تحویل گرفتیم، از مسیر ۱۶۰ کیلومتری فقط ۳۰ کیلومتر آزادسازی شده بود؛ اما اکنون تمام ۱۶۰ کیلومتر مسیر را آزاد کرده‌ایم. پیمانکار نیز مشخص است و قرار است روس‌ها بیایند و آنجا را احداث کنند.

مسیر تهران ـ چشمه‌ثریا نیز که از تبریز به ترکیه می‌رود، طراحی شده و اکنون درحال نهایی‌کردن پیمانکار آن هستند. یعنی در همه بخش‌ها، به‌شدت روی راه‌آهن کار می‌کنیم. در حوزه مترو نیز فعالیت گسترده‌ای داریم.

برای اتصال مسیرها و شریان‌های میان تهران و شهرهای اطراف، از جمله اسلامشهر، شهر قدس، رباط‌کریم و شهریار، برنامه‌ریزی کرده‌ایم. اگر همه این شهرها با قطار به یکدیگر متصل شوند، دیگر رفتن از اینجا به کرج دو یا سه ساعت طول نمی‌کشد و برای طی یک مسیر ۳۰ کیلومتری، این‌همه هوا آلوده نمی‌شود. می‌توان این مسیر را در عرض ۱۰ دقیقه یا یک ربع طی کرد.

برای این طرح‌ها برنامه‌ریزی و کار کرده‌ایم و مشارکت‌هایی را نیز آغاز کرده‌ایم. ان‌شاءالله در تلاش هستیم این اقدامات به نتیجه برسد. البته می‌دانید که مشکلات اقتصادی و عمرانی ما مسائلی نیستند که در طول سال‌ها حل شده باشند؛ با این حال، می‌خواهیم آن‌ها را ظرف دو یا سه سال حل کنیم. تصور می‌کنم با مشارکت مردم بتوانیم این کار را انجام دهیم. برای مثال، مسیر راه‌آهن میانه ـ اردبیل به پایان رسید؛ یعنی اتصال ریلی آن انجام شد.

***آقای رئیس‌جمهور، آیا بخش‌هایی از این کریدورها که تاکنون تکمیل شده‌اند، در جریان جنگ به کشور کمک کردند یا هنوز به مرحله‌ای نرسیده‌ایم که آثار آن‌ها در چنین شرایطی ملموس باشد؟**

– کریدورها هنوز به‌طور کامل آماده نشده‌اند، اما راه‌های دیگری را باز کرده‌ایم. علت اینکه اکنون، با وجود همه این محاصره‌ها، در بازار کمبودی نمی‌بینید، این است که از مسیرهای مویرگی عمل می‌کنیم.

شریان‌ها مسیرهای آسان‌تر و پرظرفیت‌تری هستند. در مویرگ‌ها، هرچه قطر مسیر بیشتر شود، توان انتقال نیز به‌شدت افزایش پیدا می‌کند. برای مثال، رگی با قطر دو سانتی‌متر، چند برابر بیشتر از رگی با قطر یک سانتی‌متر خون یا آب منتقل می‌کند؛ یعنی ظرفیت انتقال با افزایش قطر، به توان چهار افزایش پیدا می‌کند.

وقتی راه‌آهن داشته باشیم، توان جابه‌جایی ما بسیار بیشتر می‌شود. حمل‌ونقل دریایی نیز ظرفیتی بسیار بیشتر از قطار دارد؛ همان‌طور که توان قطار بسیار بیشتر از حمل‌ونقل جاده‌ای است و جاده نیز ظرفیت بیشتری از حمل بار به‌صورت کوله‌بری دارد.

***یکی دیگر از سیاست‌ها و رویکردهای کلان شما، تفویض اختیار به استان‌ها بود. در جریان جنگ ۱۲روزه شاهد بودیم که جمعیت برخی استان‌ها، به‌دلیل پذیرش مهمانان، تا پنج برابر افزایش یافت؛ با این حال، آن استان‌ها با کمبود و کاستی جدی مواجه نشدند. به نظر شما، سیاست تفویض اختیار تا چه اندازه موفق بود و حدود و دامنه گسترش آن تا کجاست؟**

–ببینید، من امروز رئیس دولت هستم، اما پیش از ریاست‌جمهوری، حتی برای نمایندگی هم مرا رد کردند. در این جامعه، افراد زیادی مانند من و حتی بهتر از من وجود دارند، اما ما به‌خاطر همین پست‌ها و جایگاه‌ها اجازه نمی‌دهیم خودشان، مهارتشان، علمشان و توانمندی‌شان را نشان دهند.

هرچقدر بتوانیم این اختیارات را واگذار کنیم، افراد بیشتری